



حدیث روز

شیعہ ہا کسی است
کہ دلش از ہر گونہ
خیانت و نیرنگ و
مکری پاک است۔

امام حسین (ع)

فراز از صحیفہ سجادیه

سپاس مخصوص خداست، که نه بر امت‌های گذشته و نه‌ای سپری شده؛ بلکه بر ما به وجود محمد صلی‌... علیه و منت‌نهاد؛ با قرائتش که از هیچ چیز هر چند بزرگ باشد، ناتوان شود و هیچ چیز هر چند کوچک و ریز باشد، از دایره‌ی اختیار عرصه‌ی ارادهاش، بیرون نمی‌رود. خدای توانا، ما را بر همه‌هایی که آفرید، خاتم قرارداد و بر همه متکران حق و حقیقت باه گرفت و با نیکی و احسانند، ما را بر آنان که اندک بودند، فزونی بخشید.

شاخ غول را گرفتیم ولی نشکستیم!

بوداپست و ارتفاع اورست ۶۶۶۰ متر است و یاسرزمین اینکاها در آمریکای لاتین است، نه آفریقا و پایتخت عراق، بغداد است نه تهران، نام این‌ها سواد نیست. سواد یعنی درک دیروز، بفهم دقایق امروز برای رسیدن به فردا، که در حقیقت نامش



تاری

ت شدید، شاخ غول را گرفتیم
نشکستیم! مثل گنجشک
کرده در قفس رها شدیم اما
دیدیم! کنکور سراسری
زار شد راحت شدیم. امتنان
میلیون کنکوری و دست کم
میلیون خانواده معصوم آنان
و زگار، کرنا را بپذیرد. شما

ان خلای و اهل حساب و کتاب برپایه
کسور و اعزانه هم پی‌نبرد بی چون برای
۵ میلیون نفر تعیین تکلیف کند
که می‌همر از ابتلا به نرسود، از بد
شما اینک دلسوز امروز فردا از کس
ما بار دیگر ثابت شد عمل امروز مایکی از
انهای بازار اعمال فردای ماست. شتاب
نر گرفته‌ام ما انشکسپتیم چون خواب
اغی فارغ خود را به خان دور رساند و
اغی تا عمل تحصیل اسمال دانشگاه‌ها
راکز آموزش عالی رفت، بیکار ماندن
پایان آنان تا مزر جنون! اماها حاکی
تقریب نیمی از جمعیت می‌میلیون
طرب کند که در دانشگاه‌های متعدد
تی، آزاد و پیام‌رور... دانشجو می‌شوند.
به‌بیکار است اما پس از فارغ‌التحصیلی
و جوان عزیزتر از چهار فصل می‌خواهند
کاره شوند؟ بعضی معبود از اینان که
شوند؟ دانشگاه‌های جامع و علاقه‌مند
به تحصیل می‌دهند تا احتمالاً اگر
دوبعداً جزو فارغ‌التحصیلان شوند؛
بهمی دیگر از فارغ‌شدگان ادامه تحصیل در
دهند و اما برآید این می‌همر تا احتمالاً
شوند و چرا اما ادامه می‌دهند تا احتمالاً
به سرازی از نرود یا به خیل سپاهیان
ر اضافه نشوند و شاید البته شاید اگر
ریندند چه تحصیل بیکار از دیلمه
پایان سپاهیان که پس از فارغ‌التحصیلی
یای کار و بالاخره دکتری بیکار را حفظ
ند. البته به برخی معبود از لیسانس‌ها
چوهرایی صاحب یک کار دم
تی می‌شوند و بالاخره لشکری از
التحصیلان کارشناسی بیکاری را با
یل بیکاران میلیونی دانشگاه‌رفت و رور
دوره می‌کنند اینکته قابل قبول است
تی عده ای از فارغ‌التحصیلان در هر
طع تحصیلی همیشه کار خوب، حقوق
تی خوب و مزایای غیر قابل شمارش
هم است و ربطی هم به آمدن یا نیامدن
ندارد. عجب اباین همه ناامیدی البته
تی کسب دانش از گهواره تا گور باید دودید
تلفیظ نظام علمی، فرهنگ، اقتصادی
کاری جامعه بیکار کارشناسی،
ن دست کار افتد و دانی، چطور؟ حتی
شناسی ارشد بدون کنکور و خرید
نامه تا دکتری فقط به شرط وام خواندن
شش چطور؟ آن وقت این جماعت و
اعت دیگری که سواد خود داشتن را
معنی حل کردن جدول کلمات متقاطع
در ۱۵ دقیقه می‌دانند چیست؟ راست
است که داشتن معلومات عمومی
دب ادب، که مثلاً اینکته معیار، سن،
...

پس از آغاز جنگ جهانی دوم، ایران بی طرفی خود را اعلام کرد، اما به دلیل درگیری مهملات شمالی یعنی شوروی با آلمان، این بی طرفی پایدار بود. دولت‌های شوروی و انگلستان پس از دادن چند خطا، کتبی به دولت ایران مبنی بر لزوم اخراج آلمانی‌های شاغل در کشور، نتایج‌تمام طرح خود برای اشغال ایران را عملی کردند. پس از این طرح در نخستین ساعات، ۲۹ شهریور ۱۳۳۰، ارتش ایران‌های شوروی از شمال و شرق از زمین و هوا به ایران حمله‌های سبب، نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب حمله کردند و شهرهای سراسر را یک‌به‌یک و به سرعت اشغال کردند و هر دوه سمت تهران حرکت کردند. اندکی پس از عبور این نیروها از مرزها و رو به خاک ایران، نمایندگان سیاسی دو کشور در تهران، در یادداشت‌های جداگانه این که تسلیم می‌شوند، نخستینوزیر وقت، کردند جریان لشکرکشی را به اطلاع دادند. در این متن دول حمله ایران، قطع کردن همکاری با مستشاران آلمانی و به خدمت گرفتن جاسوسان آن کشور عنوان شده بود. برای رسیدگی به این واقعه، جلسه شورای وزیران با حضور پهلوی اول تشکیل داده و او که به توان ارتش اطمینان داشت، تصمیم به مقاومت گرفت، غافل از اینکه این ارتش پوشش است و تنها با یک دستور مقامات انگلیسی، اغلب افسران آن همان روزهای اول تسلیم می‌شوند و کشور را به حال خود رها می‌کنند. پس از انجام در سومین روز از محمله متفقین به ایران و پس از حاصل شدن مذاکرات که نمایندگان روس و انگلیسی‌ها پهلوی اول نخستین گام را برای تحقق خواسته‌های آنان برداشتند و ضمن مقاومت با استعفا علی منصور، حکم نخست‌وزیر محمدعلی فروغی را صادر کرد. فروغی هم بلافاصله پس از گرفتن این حکم، فهرست ازقبیل تنظیم‌شده کابینه خود را اعلام کرد؛ فهرستی که براساس آن، سرلشکر احمدخوین‌آباد هم در خیان‌ت‌زوسی پهلوی اول خلع در تاج‌شده بود. کفیل ارتش و علی سبیلی وزیر امور خارجه شدند. سرلشکر احمدخوین‌آباد برنامه تاج‌شده برای تسلیم ایران، و مذاکرات خود با نمایندگان انگلستان، شوروی، اردو، هین، روزنخت‌بیدار ش نخست‌وزیری را آغاز کرد.

۳۱° ↑ ۱۷° ↓	رطوبت هوا ۳۵%	
۲۸° ظهر	۲۲° صبح	
۲۱° شب	۲۸° عصر	

● نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹
 ● اذان صبح فردا ۴:۰۸
 ● طلوع آفتاب فردا ۵:۵۸
 ● اذان ظهر ۱۲:۳۴
 ● غروب آفتاب ۱۹:۱۰
 ● اذان مغرب ۱۹:۲۹

روزنامه شهرامید وزندگی

SHAHRAIRNEWS.IR

۵۳
۵۶
۹۹

۲شنبه

۳۶ صفحه ۱۵ صفحه ۴۴ صفحه ۵۳
۴۴ صفحه ۵۳ صفحه ۱۶۴ صفحه ۳۰۴
شماره ۳۱۸۵ ۱۰۰۰ تومان

میتانامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

[illegible]

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز:
● شهرداری مشهد
● مدیر مسئول:
● سید هادی فیاضی
● نشانی: میدان
● شهده، نبش دانشگاه
● دفتر مرکزی:
● ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
● نامبر: ۳۷۲۸۸۱۱۰
● روابط عمومی: ۳۷۲۸۸۱۱۰
● شماره پیک: ۳۷۲۸۸۱۰۹
● چاپ: شهر چاپ خراسان

یک حماسه، یک تراژدی!

دی بالید و برکشید
نه طومار قدرت های
ممن نوشت. این نیروی
؛ دین محمد (ص)
مد و به اندک زمان
ان را دگرگون کرد



سیدخلیل حسینی
فعال فرهنگی

سرعت و ثباتی که با
این همراه بود، در تار
پاها و زانوها و کمر
و گردن و دستها و پاها
و سرش، نه زودتر و نه
بسیار دیرتر پس رفتی و
بود به خدایت پیوستی و
در پیش نداشتی و
بنای ایران و بیزانس را
لافا کاهنان در فرش
مردمان و مقاومتش ممکن
نباشد کسی بود که وعد
تو هجرت در بسند
شده بود.
به قولی
می یغمبر
در بود،
فست‌ها،
ر سقیفه
را از آنچه
دانست
پشت
است
برده بود

(ص ۱۰۴). محمد رحلت کرده بود اما بار حلت او سایه اختلافات دیرین بر تعصبات قدیم خان‌دان‌ها، که حتی برادران مهاجر و انصار را نیز زها نکرده بود، دوباره بر سر شهر پدید داشت. بنی مسلمانان مدینه و آن‌ها که از مکه آمده بودند، رشک و رقابتی که چندی قبل مخصوصاً در مواقع تقسیم غنایم پیدا می‌شد، آشکارا تر شد. حتی پیش از آن که رایه خاک سپارند در باب جانشینی او پدید آمد (ص ۶۹).

ریخ خلفا فرقی نامی از نام زید شوم‌تر و گریز تر نیست. خلافت کوتاه و که فقط در نیم اول کشید از زید مسلمانان، زید یک سلسله فجایع مستمر نبود، یک حسین بی‌عی (ع) را کشت، یک سال غارت کرد و یک سال هم کعبه را به سنگ بست. هر یک از این سه واقعه می‌توانست فتنه خاندان را تنگین کند، اما، ای ننگ هر سه گناه بر گردن او افتاد. (ع) حاضر نشد به بیعت زید درآید. شکر عبید... البته امیدی برای برپوزی باقی نمی‌گذاشت اما حسین مرده‌ای ایستاد و در جنگی که روی ۳۳ از پای درآمد، در حالی که ۳۴ خیم تیره بر تن داشت، زخم‌ش مشعشیر.

عده زیادی از کسان و یارانش نیز در کنار او مرده‌اند ایستادن و از دم تیغ دشمن گذشتند اجساد آن‌ها را مخالفان لگدکوب اسیر کردند و سرهاشان را در کوفه و شام فرستادند. بدین گونه قیام حسین بی‌عی (ع) به

آسانی در خون کشیده شد، اما این مایه خشونت که در دفع آن به کار رفت رسوایی بزرگی شد برای بنی‌امیه، در عراق و حجاز و حتی در شام نیز که اینکه نودامه پیغمبر به مزاج و شخصیت مسلمانان کشیده شد و سر خون آلودش را بر نیزه کردند و از عراق به شام بردند، مردم فوق العاده نازاری شدند (ص ۱۹-۱۲۱).

۷. بدین گونه، ما مجاری ابامداد اسلام ترکیبی شد از یک حماسه و یک تراژدی. در بیان داستانی چنین جای دار، چنین گونه‌گون و چنین دور و دراز که برادر ام از من طلب کرده بود، کوشیده‌ام تا آنجا که در طاقت دارم از هرگونه میل و هوی بر کنار بمانم، جز بر اسناد گه‌نگینم و نه جای تعصب است. با این همه، جای جای سخن از درد و شوری انسانی خالی نماند؛ نه آن‌چه به شور و درد کسی پاسخ می‌داد که این کتاب آفریده شده بود و در آید؟ (آری کسی که این داستان به جبهه شوق و در غم آمد، دو سال پیش کار دانشجویی خویش را آغاز کرده بود که تا بد آن‌تامه ماند. در خاطر او در آن ایام در باره این گذشته‌ها و در آستان اسلام پرسش‌ها بود بسیار، بر از ابهام و شگفتی. اگر او فرصت نیافت، این داستان را تا آخر فروخواند امید است همسالانش که مثل او زندگی‌شان معجزه‌ای از نظم و تراژدی حماسه رنج و تراژدی یاس به نظر می‌رسد در این داستان انسج و تفکشی بیابند، از آن امید که شادی می‌بخشد و راحت می‌افزاید. شاید این داستان زیاده کوتاه است اما چه باک، تا تاریخ یک ابامداد بیشتر جذب، نه به آخر داستان آن کسی نیز که از کتاب از جبهه شوق و ابهام یافت، کوتاه بود، کوتاه و دردناک؟

عبدالحسین زرین کوب / اردیبهشت ۱۳۴۶

[illegible]

11/11/2016

فتوای شریح قاضی
بہ قیام امام حسین (ع)

٥٤
محرم الحرام
٦١ هجري

در روز چهارم ماه
محرم الحرام
سال ۶۱ هجری

ابن زیاد با استناد به فتوایی که از شریح قاضی گرفته بود، در مسجد کوفه خطبه خواند و مردم را به کشتن امام حسین (ع) تحریص کرد.^(۱)

١. الوقائع الحوادث: جلد ٢، صفحہ ١٢٤

آخرین چهارپایه خوان

رضا سلیمان نوری

پیر غلام

چهارپایه خوانی یکی از انواع منسوخ شده عزاداری محرم است. این نوع عزاداری که البته در مشهد بیشتر بانام «کرسپچه خوانی» شناخته می شد، آن زمان که هیئت های مذهبی برای رسیدن به حرم مطهر از مسیر بازارها عبور می کردند، رونق بسیار داشت؛ چون هنگام رسیدن به میدان گاه بازارها یا تالاف دیوار باز بهم، یک نوحه خوان با آلاهی چهارپایه ای می رفت و دم می گرفت و معمولاً یابان اودم عزاداری عوض می شد. این نوع عزاداری تا اواسط دهه ۶۰ که بازارهای عمده مشهد در طرح نوسازی اطراف حرم مطهر به دستور ولیان، نایب التولیه وقت، خراب نشده بود، ادامه داشت اما پس از آن با توجه به تغییر مسیر حضور هیئات مذهبی در حرم مطهر، منسوخ شد. البته در سال نهمین امسال، چهارپایه خوانانی بودند که با تغییر سبک، به عزاداری خود بری این نر شهیدان ادامه دادند تا اینکه آخرین آن ها یعنی «عصر صابری کرده» در شنبست قیبربان امسال درگذشت. اصغر صابری کرده، ۹۶سال از خدا عمر گرفت و در تمام این مدت در کوچه بلوچ های، محله دیگه زندگی کرد. او ۵سال در هیئت های مختلف این محله، خاصه در تکیه «امد سرخه» دم گرفت. او ناماد زنده مداحی است و چهارپایه خوانی در بازار بود. جدای از این هم، رسمش، سنتی و او خاص می کرد، بی سوادیش بود که مردم و اشعار زیادی را حفظ بود و بدون حتی جدا انداختن یک واو با صدای رسمی می خواند. از آن مهتر اینکه وقتی از نام و شنانش می پرسیدی، پاسخش این بود که مرا «پیر غلام امام حسین (ع)» شناسی.

一、

بسیار مردان ایم...

وین چقدر بی سر و دستار زندای
هر بار بی سر بی قدمو هر بار زندای
شدم که بی تیغ سنگدار زندای
مبارد چون دقیقه نیدار زندای
بی زخم سر خوشانه نلدار زندای
اینکه چقدر سرگردان زندای
اینها نویسی که حسدار زندای
مردم بر سکونت سحره انبار زندای
شرنگیانی پیگرد و پیگرد زندای
صبح و شام بر تب نگار زندای
روح سپیدی و سپیدان زندای
این همه تب سوار زندای
سپارد بر دایه و نویسمان زندای

بیای تا همیشه که بسیار زنده‌ای
شده‌ای همیشه سراسر از آن نیرت
جهان ادامه دشوار آن دم است
سرفراز تر صف دیوان قتلگاه
بغ ناگزیر چنانی که تا نابد
مردی آسمای خیبر، شکوهدار
آن نفس گشایان را هر دیم
تر صدای نبض شعل‌ها و سنج‌ها
چون بهشت تازه‌تر از آن تازه‌ی و
خون تازه‌تر از دم صبح تازه‌تر
سرو قامتی که اذان، جسمی
بیای محض آن که سرشاز کائنات
همه‌ی این همه دشوار باشد

سید اکبر میر جعفری